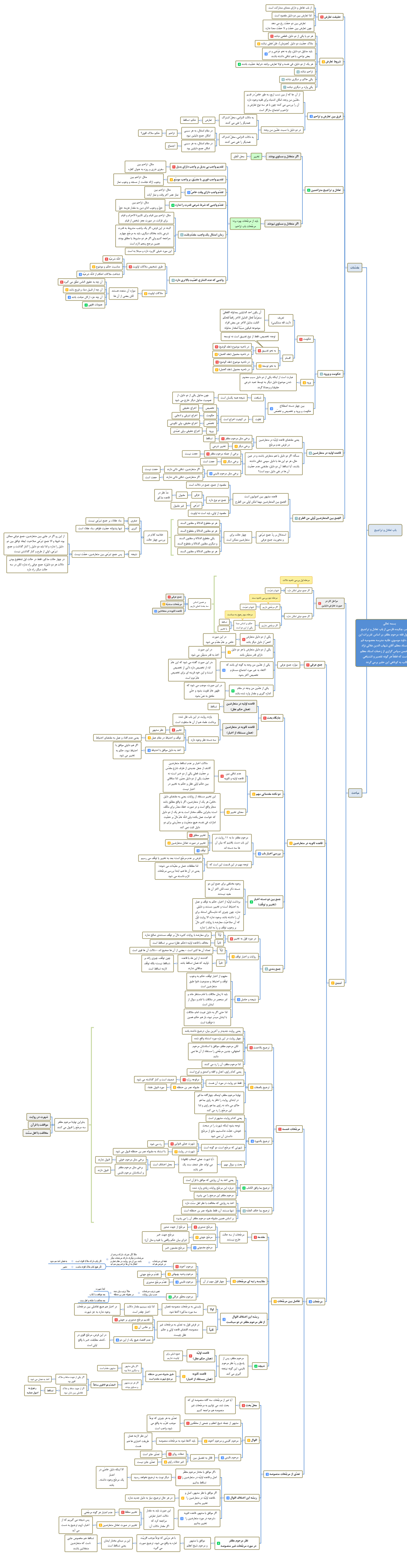
بسمه تعالی
نمودار حاضر، چکیده فارسی از باب تعادل و تراجیح از کتاب اصول فقه مرحوم مظفر، بر اساس تقریرات این حقیر سید داود موسوی، طلبه مدرسه معصومیه قم از درس استاد معظم آقای شهاب الدین علائی نژاد می باشد؛ ضمن سپاس گزاری از زحمات استاد معظم بدیهی است که قطعاً هر گونه تقصیر و اشتباهی در مطالب، به کوتاهی این حقیر برمی گردد
باب تعادل و تراجیح
مقدّمات
حقیقت تعارض
از باب تفاعل و دارای معنای مشارکت است
لذا تعارض بین دو دلیل مقصود است
تعارض بین دو حجّت رخ می دهد چون تعارض بین حجّت و لا حجّت معنا ندارد
شروط تعارض
هر دو یا یکی از دو دلیل، قطعی نباشد
ملاک حجّیت دو دلیل (همزمان)، ظنّ فعلی نباشد
باید مدلول دو دلیل، ولو به نحو عَرَضی و در بعض نواحی، با هم تنافی داشته باشند
هر یک از دو دلیل، فی نفسه و لولا تعارض، واجد شرایط حجّیت باشند
تزاحم نباشد
یکی حاکم بر دیگری نباشد
یکی وارد بر دیگری نباشد
فرق بین تعارض و تزاحم
از آن جا که از بین نسب اربع، به طور خاصّ در قسم عامّین من وجه، امکان اشتباه برای فقیه وجود دارد آن را بررسی می کند؛ چون با هر سه نوع تعارض و تزاحم و اجتماع سازگار است
در دو دلیل با نسبت عامّین من وجه:
به دلالت التزامی، محلّ اشتراک همدیگر را نفی می کنند
به دلالت التزامی، محلّ اشتراک همدیگر را نفی نمی کنند
تعادل و تراجیح متزاحمین
اگر متعادل و مساوی بودند
تخییر
محل اتّفاق
اگر متعادل و مساوی نبودند
باید از مرجّحات بهره برد؛ مرجّحات باب تزاحم:
حکومت
تعریف (آیت الله مشکینی)
أن یکون احد الدلیلین بمدلوله اللفظیّ متعرّضاً لحال الدلیل الآخر رافعاً للحکم الثابت بدلیل الآخر عن بعض افراد موضوعه فیکون مبیّناً لمقدار مدلوله
توجه: تخصیص، فقط از نوع تضییق است نه توسعه
به نحو تضییق
در ناحیه موضوع (عقد الوضع)
الجمع بین المتعارضین أولی من الطرح
قاعده مشهور بین اصولیین است الجمع بین المتعارضین مهما امکن اولی من الطرح
استدلال بر ردّ جمع تبرّعی و محوریت جمع عرفی
چهار حالت برای متعارضین ممکن است
مباحث
مراحل کار در صورت تعارض دلیلین
اگر جمع عرفی امکان دارد
مرحله اول بررسی ناحیه دلالت
فیها و نعمّت
اگر جمع عرفی امکان ندارد
اگر مرجّحی داریم
مرحله دوم بررسی ناحیه سند
اگر مرجّحی نداریم
مرحله سوم رجوع به مبناست
حکم بر اساس مبنا یکی از این دو است
جمع عرفی
موارد جمع عرفی
یکی از دو دلیل متعارض اخصّ از دلیل دیگر باشد
یکی از دو دلیل متعارض یا هر دو دلیل دارای قدر متیقّن باشد
یکی از عامّین من وجه به گونه ای باشد که اکتفاء به غیر مورد اجتماع، مستلزم تخصیص اکثر بشود
یکی از عامّین من وجه در مقام اندازه گیری و مقدار وارد شده باشد
تبیین
جایگاه بحث
قاعده اولیه در متعارضین (همان حکم عقل)
قاعده ثانویه در متعارضین (همان مستفاد از اخبار)
قاعده ثانویه در متعارضین
دو نکته مقدماتی مهم
عدم تنافی بین قاعده اولیه و ثانویه
معنای تخییر
بررسی اخبار باب
جمع بین دو دسته اخبار (تخییر و توقّف)
جمع بندی
در مورد قول به تخییر
روایات و اخبار توقف
نتیجه و حاصل
مفهوم از اخبار توقف، حکم به وجوب توقف و احتیاط و ممنوعیت فتوا طبق متعارضین است
باید تا زمان ملاقات با امام منتظر ماند و امر منحصر در ملاقات با امام و سوال از ایشان است
لذا حتی اگر به دلیل غیبت امام، ملاقات با ایشان میسّر نبود، باز هم حکم همین است (-توقف)
مرجّحات
مرجّحات خمسه
ترجیح بالاحدث
یعنی روایت جدیدتر و آخرین بیان، ترجیح داشته باشد
چهار روایت در این باره مورد استناد واقع شده
لکن مرحوم مظفر، موافق با استادشان مرحوم اصفهانی، چنین مرجّحی را مستفاد از آن ها نمی دانند
لذا مرحوم مظفر، آن را رد می کنند
ترجیح بالصفات
یعنی کدام راوی، اعدل و افقه و اصدق و اورع است
فقط دو روایت در مورد آن هست
مرفوعه زراره
مقبوله عمر بن حنظله
نهایتا مرحوم مظفر، اوصاف چهارگانه مذکور در ابتدای روایت را ناظر به راوی بما هو حاکم می داند نه راوی بما هو راوی و لذا این مرجّح را رد می کند
ترجیح بالشهرة
یعنی کدام روایت، مشهورتر است
توجه بشود اینکه شهرت را در مبحث خودش، حجّت ندانستیم، مانع از مرجّح دانستن آن نمی شود
شهرتی که مرجّح است، دو گونه است
شهرت عملی
شهرت در روایت
بحث و سوال مهم
آیا شهرت عملی اصحاب (فقهاء)، می تواند جابر ضعف سند یک خبر باشد
ترجیح بما وافق الکتاب
یعنی اخذ به آن روایتی که موافق با قرآن است
درباره این مرجّح روایات زیادی وارد شده
مرحوم مظفر این مرجّح را می پذیرد
ترجیح بما خالف العامّه
اخذ به روایتی که مخالفت با نظر اهل سنّت دارد
تنها مستند آن، فقط مقبوله عمر بن حنظله است
بر اساس همین مقبوله هم، مرحوم مظفر آن را می پذیرد
تفاضل بین مرجّحات
مقدمه
مرجّحات از سه حالت خارج نیستند
مرجّح صدوری
مرجّح جهتی
مرجّح مضمونی
مقایسه رتبه ای مرجّحات
چهار قول مهم تر آن
ریشه این اختلاف اقوال از نظر مرحوم مظفر در دو مبناست
اولا
ثانیاً
نتیجه
مرحوم مظفر، پس از پاسخ و ردّ نظر مرحوم نائینی، این گونه نتیجه گیری می کند
قاعده اولیّه (همان حکم عقل)
قاعده ثانویه (همان مستفاد از اخبار)
تعدّی از مرجّحات منصوصه
محلّ بحث
آیا غیر از مرجّحات سه گانه منصوصه ای که بحث شد، می توانیم به مرجّحات غیر منصوصه هم مراجعه کنیم
اقوال
مشهور از جمله شیخ اعظم و جمعی از محقّقین
مرحوم کلینی و مرحوم آخوند
مرحوم نائینی
قائل به تفصیل بین
ریشه این اختلاف اقوال
اگر موافق با مختار مرحوم مظفر، اصل و قاعده اولیّه در متعارضین را تساقط بدانیم
اگر موافق با نظر مشهور، اصل و قاعدهٔ اولیّه در متعارضین را تخییر بدانیم
اگر موافق با مشهور، قاعده ثانویه شرعیه در مورد متعارضین را تخییر بدانیم
نظر مرحوم مظفر در مورد مرجّحات غیر منصوصه
موافق با مشهور و مرحوم شیخ اعظم